نقد درون گروهی و برون گروهی (بهار و اقبال - بهار و رفعت)

حبيب الله عباسی

نیمه غصارور صدیقی

چکیده

در این مقاله در نوع روبیکرد نقدی معرفی و سپس نمونه‌هایی از این نوع در ادبیات زبان مشروطه انتخاب و بررسی شده است. هدف این مقاله بررسی زمینه‌های نقدی در دوران مشروطه بود که در تاریخ ایران نخستین عظیم در گذر از استن به مدرنیت محصول می‌شود. روبیکرد نخست، نقد درون گروهی، نوعی نقد است که در میان اعضای یک شکل افراطی می‌فتد؛ روبیکرد دوم، نقد برون گروهی، نیز نوعی نقد است که در میان اعضای دو گروه متفاوت انجام می‌شود. نتایج این نوع روبیکرد را توجه نمود کلی را از سیستمی که در حدود درون بیان می‌شده است در نمایشگاه‌ها، مقاله‌ها، تحقیق‌های علمی، نظریه‌ها، کتاب‌ها و بیشتر این نسبت نخست انتخاب شده است. اتمگان دانشگاه و دو عضوی مقدمی بهار و عباس اقبال آشتبایی است. این گروه تمایز و مبانی انتخاب نشان داده است و در رأس آن بهار و مجله تجدید نظر و نزدیک رفعت است که در این گروه اخیر نماینده نماینده انتقالی است. روش انجام کار تحلیل مستقیم مانند تحلیل مقالات در نوع نقد بیان نشان داده است که در نقد درون گروهی در دوران مشروطه، در اثر ملامپری نسبت به نوع برون گروهی رخ داده است و گاه نصایح شخصی در روند انتقاد تأکید یافته بوده است. در نوع اول، نشان داده شده است که در نقد درون گروهی در دوران مشروطه، در اثر ملامپری نسبت به نوع برون گروهی رخ داده است و گاه نصایح شخصی در روند انتقاد تأکید یافته بوده است. در نتیجه که حرکتی این چنینی به جراین تبدیل نمی‌شوندد. در روند نقد ادبیات و کسب فنای انفجار ممنوع دم نموده‌اند، اما این دو حرکت به‌ندرقه توقف شده و در نتیجه دیگر نقد برون گروهی به سبای قابل نمونه‌سازی و رامین‌سازی در ایران است.

کلیدواژه‌ها: نقد درون گروهی، نقد برون گروهی، اتمگان دانشگاه، بهار، اقبال آشتبایی

روزنامه نجات، نقی رفعت

habibabbasii45@yahoo.com
ghaffarpoor.naimeh@yahoo.com

تأريخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵
فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۴۱، شماره ۷۵، تابستان ۱۳۹۵
1. مقدمه
شاید بتوان گفت نقد ادبی با سروه‌شدن اولین بیت شعر و خلق‌شدن ادبیات به‌وجود آمد؛ گرچه در گذشته‌دور، شکل تدوین شده و نظام‌نهایی نیست، هر خواننده‌ها، منتقد اثر محصور می‌شود. بعد از رایج نقد ادبی، این بدیع به صورت مستقل در مبانی نظری ادبیات جای خود را بز کرد. با خلق نظریه‌های مختلف ادبی، خواننده و نقد اثر ادبی هم گسترش پیدا کرد. نقد ادبی در هر برده زمین، از موقعیت اجتماعی و سیاسی منفعت بوده و در دوران بعد از مشروطه که برای ادبیات ایران دوره مبنا محصور می‌شد نیز بتوان به وضعیت خاص آن دوران مشخصه‌هایی ویژه‌ای داشت. اهمیت اقلام مشروطه در این بوده که برخاکی کوشش‌های پیشین در جهت نوسازی و اصلاح که بیشتر از دورن و به‌دست نخبگان سیاسی قاحر انجام می‌پذیرد، محدود به مصلحت گرایی سیاسی و اصلاحات اداری- نظامی نیست، بلکه نقطه عزیمت شکل‌گیری کفتنمان جدیدی بود که به‌حوا عمق در باره‌های سنتی ایرانیان در بسیاری مفاهیم تحول ایجاد کرد و در رواقع نقطه عطف «اجتماعی شدن» هدف مدیر در میان ایرانیان بود. تمام این تحولات مطوق بیان اصلاحات و نشان باری ترقی و نشان دهندگی توان ذهنی دربرابر مدرنیت نه (نظری، 1386). در این دوره ادبیات ایران در مرحله گذار بود و آثار خلق‌شده نیز مشخصه‌های ویژه‌ای داشتند که برخوادی تحقول ایجادشده در قیام مشروطه را داشت. بطور کلی آثار خلق‌شده در این دوران، از سویی یادبند و ابداد استادانه گذشتند که از سویی دیگر به مفهو م مدرنیت و تجربه اشنازی نسبی یافته و از بدیع‌های چهار بروخورد نزدک با گرب و آثار غربی تأثیر گرفته بودند. مبانی فکری حاکم بر جامعه در این دوران دچار برخی تغییرات اساسی شده که بازتاب آن در ادبیات قابل ردیابی است. تغییرات حاصل شده نه آن چنان سنبلاید بودند که کل ایده‌های جامعه را تغییر کند و نه آن‌چنان سطحی که تأثیر درخور توجه در جامعه نداشت باشد. البته باید در نظر داشت که عوامل یک تحلیل به‌مدور رمان تأثیر اساسی خود را نشان می‌دهد و خیلی زود نمی‌توان درباره آن قضاوت کرد. دورانی که ما درباره آن بحث خواهیم کرد، دورانی است که اکثر تغییرات هم در سامان فکری جامعه رخ داده است. در لایه‌های سطحی آن دوره و شاید بتوان گفت هنوز نمود خیلی پررنگ نداشته است که برای خود بیانی نظری مستحکم ارائه دهد. بحث انقاذ و پرخوردی نظرها کمی در حال وقوع بوده است و برخی محقق و شناخت‌های ادبی پیامگرفته و برای این نوع منابع عصرایی مناسب ایجاد کرده بودند. چنین اقداماتی گام‌های آغازین جامعه تجدیدطلب در مسیر تجدید
نقد درون گروهی و برون گروهی، صص ۷۷-۷۸

بود. از نشانه‌های این جامعه فردگرایی و انسان محوری و توجه به آرای مختلف (صدامی).

است. نقد ادبی و فرآیند از ملاحظات انتقادی است که معمولاً و اکثراً در بررسی یک پدیده است.

نقد ادبی به نوع مطالعه کودتای آثار است که به‌همین تعبیر تاریخ ادبی را نشان می‌دهد.

می‌شود، بنابراین این نکته ای این دو اهمیت جای بحث دارد (ولک و وارن، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۴).

یکی دیگر از قوانین نقد ادبی آنتیک است که در عصر رادیو و تلویزیون، حجمی از ای‌بی‌ای سازی، مربوط به انتقادی، می‌باشد.

در دوران سوم‌روهی جامعه در مسیر تغییری اساسی بود و در چندین بستر نقد می‌توانست شکل بگیرد. اساساً نقد در جامعه‌ای رشد و نمی‌کند که از همان‌های علیه و دهه‌های افراد باشد. زمینه‌ای که نقد جامعه‌ای آزاد و مبتنی بر دموکراسی است. دموکراسی به‌ثبتی و چسبنده اجتماعی و فرهنگی، یکی از مؤلفه‌های مدرنیته است.

در نهایت گفت دموکراسی تحقق عقلانی انتقادی در عصر سیاسی است.

در حرفه‌ای دگرگونی یکجا محیط فرهنگی یک دوره براساس سالانه جوون بارانالارایزم، قانون خواهی، حق حاکمیت ملت و مفاهیم جدیدی چون مفهوم سیاسی وطن، استقلال و آزادی بیانات ادبیاتی مجتهد که با محیطی سخت اجتماعی و انتقادی، هم از جهت سبک و هم از جهت محتوا با ادبیات کلاسیک ایران تفاوت ماهوی و بیانی داشت (جودابی، ۸۴۷): ۱۴۶-۱۴۷. در این دوران در ایران همان‌طور که منابع‌های اجتماعی در حال تغییر بودند و بافت جامعه به‌تدریج از فتنه‌ای دور می‌شد، ادبیات نیز در شرایط تغییر بوده و به‌عنوان آن نقد ادبی نیز دبستان و کم‌کم دارای اصول و معیار مِد و منطق‌دان آرای مستقلی در را ارائه می‌کرد. در رفت و آمد. در عصر جدید به‌تدریج فرد از جامعه جدا می‌شود و فردیت می‌پایه و نقد فرهنگ‌شناسی عرضه‌ای برای آن و نشانه‌ای از این فردیت است. استقرار فردیت معرفتی دردنتیه است. در مدرن‌نشین انسان بعث عقلانیت و مروفیت اجتماعی، از خودمختاری و دیدگاه بروخودار می‌شود. در دوره گذشته از جامعه سنتی به جامعه متجد
یکی از این نمونه‌ها انتقاد ادبی مناظره‌های است که می‌تواند به‌طور عمیقی بهار و عباس اقبال نشان‌دهنده‌ای به‌صورت قلمی رخ داد و در مجله دانشگاه هم چاپ شد. عباس‌نامه‌ای از ابتدای چاپ دانشگاه، بخش ثانی را با عنوان تاریخ ادبی در مجله دانشگاه عهددار بود و در آن قلم می‌زد. در شماره هشتم این مجله، بهار مطلبی با عنوان «تصحیح لازم» چاپ کرد که برخی ادبیات مطرح شده که در شماره قلمی مطرح ادبی را اصلاح کرد. بهار عباس‌نامه‌ای در شماره بعد جواب مکتوبی به این تصحیح نوشت که همراه با پاسخ به بهار، در مجله چاپ شد. پس از اینکه بهار جواب نداد، بهار رخ داد که در خود مجله هم «انتقاد ادبی» نام گرفت.

صدابر روی مقاله تجدید است. رفت‌که از دل‌بختگان برخور تجدید ادبی و اجتماعی ایران بود، معنادو به که ادبیات قومی ما از منابع اصولی خود دور افتاده و در حال رکود است. او امواج متراکم ادبی را محسوس در یک سدانه، کاری می‌دانست و هدفش را رخ‌دادن نشنم که به معنای جوابی به این تصحیح نگفت که همراه با پاسخ به بهار، در مجله هم «انتقاد ادبی» نام گرفت.

مورد دگری از اینست مناظره‌ها، ارتباط و شاید میزان قلمی بهار و تندی رفعت، سردی بر روی همکاری تجدید است. رفت‌که از دل‌بختگان برخور تجدید ادبی و اجتماعی ایران بود، معنادو به که ادبیات قومی ما از منابع اصولی خود دور افتاده و در حال رکود است. او امواج متراکم ادبی را محسوس در یک سدانه، کاری می‌دانست و هدفش را رخ‌دادن نشنم که به معنای جوابی به این تصحیح نگفت که همراه با پاسخ به بهار، در مجله هم «انتقاد ادبی» نام گرفت.

امروز که در کار عمارت پشت‌سینه‌ی خود به‌محافظه‌کاری می‌رود، همگی از این احساس می‌کنند که هم‌گاه ادبیات جدیدی را پیش‌برده نده‌ن. چنان‌که از مقاله‌ی «مرام ما» نامیدند، بهار و همکاران‌ی او در نظریات بی‌پروا نیستند. لازم است به این تجدید نویسندگان نگرای روزنامه تجدید تبریز قرار می‌گیرند، ببینند ترتیب میان او نشینه به آزمون‌های قلمی چیزی که پس از این می‌آید. روزنامه تجدید متن نخستین مقاله ناشنده‌ها را در یکی از شماره‌های خود نقل و آن را دستاورد خود کرد. تا مقالات مفصل تحت عنوان «مشکل تجدید»
پیشینه تحقیق

در بیشتر کتاب‌هایی که به تاریخ ادبیات معاصر پرداخته‌اند، به مقاله‌های بهبود و رفعت‌اش را کوتاهی شده است. در کتاب آرین پور، بخشی به این موضوع اختصاص داده شده و درباره آن بحث شده است. در تاریخ تحلیلی شعر نوین این بحث مطرح شده و از آن به‌عنوان زمینه‌ای برای نویسندگان نیاز به بایستی است (شمس لرگرودی، 1376/1: 35). صنعتی نیز در با جرایم و/یا به همین قضایه از آن در تاریخ تکمیل شده است (آرین پور، 1380: 149). به کتاب‌ها بایستی به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای دیدگاه‌های تجدید ادبی تبریزی و از آن به‌عنوان برخوردار دیدگاه‌های دو گرایش فکری متفاوت در عصر مروطه پاد تجدید در شعر ایرانی این مقاله را با تغییر نویسنده برای D. اثربن تجدید ادبی در دسترسی به مجله تجدید تبریزی کتابخانه مجلسشوروی اسلام مراجعا گردیده و متأسفانه ائتم موجود نبود، بنابراین نگزاری به کتاب از صا به نمیا اکتفا شد.

در ادیبات» انتشار دهد (آرین پور، 1376/1: 346). درواقع رفعت در این نشریه با طرح چنین بحث‌هایی راه را برای پدیدای شعر تنووبر همکاری کند و با حمله به قلم‌شن dabei که به همراه زمینه‌ها و نیمات اماده می‌سازد (شمس لرگرودی، 1376/1: 346). این نمونه از نقدهایی که میان دو نشریه رخ می‌دهن بسیار جالب توجه است و می‌توان از خلاص آن به دو نوع اصلی تجدیدطلبی دسته‌بندی کرد:
واکنش اعمال قضیه شکل دیگری به خود گرفت و به انتقاد نزدیک شد. توجه کردند به نظر منافک هم در داشتنکه از نقاط قوت این مجله محصول می‌شود. گو اینکه همین مجله اشعاری هم از کسانی جاب می‌کنند که در طبقه خوده به پروره و دوستانش قرار دارند. این نشان می‌دهد که داشتنکه عرصه‌ای برای تمام نظرهای دارد و صدای مخالف را منعكس می‌سازد. این‌جا نابیا زاده این مقاله به هر حال غش داشتنکه بود، ولی همین که به نظر منافک در یک گروه وجود دارد درخور تحسین است و جنینی می‌نماید که داشتنکه به آنی در مراحل اولی متشکر شده، تا به این حد که هدف انتقاد ادبی است پایبند است و اطلاع این مناظره توانسته از همین پایبندی است. این نمونه تنا مناظره قلمی این دو استاد نیست، مناظره دیگری هم میان این دو نفر در یک دفتر خاطرات موجود است که در مورد موضوع توصیه است. این مناظره جون جنبه مطبوعاتی ندارد، فقط در

اینجا به آن آمار کردیم؟

موضوع مناظره بهار و اقبال جنده محور اساسی دارد:

١. عنوان گذاری «تصحیح لازم»
٢. تصحیح متون و ضبط اشعار و نقد منابع و روش‌های تصحیح
٣. دفاع از نظرات
٤. انتقاد

درباره هر گرد که از محرورها می‌توان بحث کرد.

عنوان گذاری «تصحیح لازم»

در شماره هشتم داشتنکه بهار مطاسبه با عنوان «تصحیح لازم» درباره بخش تاریخ ادبی نوشته که اقبال نوسنده آن بود. این نوشته به سبب اقبال خوش نیامد و عنوان آن را توهین به خود نلبی کرد. اقبال در پاسخ به عنوان «تصحیح لازم» بهار نوشته چنین گفت: عنوان «تصحیح لازم» فقط عنوان زندیهای بود که با نگارشات ذیل خود ناسب ندادشت و بیدخته به انتخاب شده بود (بهار: ۱۳۷۰: ۱۱۳). بهار در دفاع از عنوان یادداشت خود نوشته این عنوان به اعتراض بوده و نه توهین، بلکه انتخاب آن به دلیل اهمیتی بود که مقاله اقبال به داشتنکه داشت و دیگر اینکه اقبال پرداشت درستی از انتقاد ندارد و اعتراض را توهین می‌داند. در حالکه این دو متفاوتاند (بهار: ۱۳۷۰: ۴۹). اقبال در پاسخ به عنوان به این حقیقت ندارد و اولین کسی است که در ذیل عنوان «انتقاد ادبی» ادا و جوانان مطلع را به انتقاد دعوت کرده و اصول آن را بیان کرده است (بهار: ۵۸۵)
تFAQعت نظری که در این پاسخ ها دیده می شود، مربوط به تفاوت نگرش محور به این اظهارنامه برای این که مقاله نسخه ای در فهرست های اهمیت بیزیده دارد، اما این بدان معنا نیست که این کالی های ای که از نظر نرخ باره های امری به توجه است، بهگاه ها اصلی از تاریخ دیگر بیان ادیب های است نه صرف آن بیان خود ابزار با ضبط دقیق اشعار، در حالی که محور بیان، آن طور که نوشته است، اختلاف نسخه ها و تصویب نمی‌کند. این است که این مشترکه داشته باش می‌توان به این داشته می‌دهد که داشته که این مقاله اهداف و نظرهای متفاوتی بودند.

تصویری متن و ضبط اشعار و نقش منابع و روشنی های تصویر

از اینجا از "تصویری" برای اختلال برخی ابزار که ضبط متفاوتی داشته نوشته شد. این امر زیبایی دیگر این به مصونج بوده است بسیار به برخی نسخ دیگر ابزار مندرج در بخش تاریخ ادبی را اصلاح کرد. این در حالی که بسیاری از مقاله که دیده ای از جملة بابت سبک تاریخی ادبیات بوده روی یکنون و سوالی دقیقی در انتخاب منبع نداشتند. از جنبه دیگر، ضبط اشعار در تاریخ ادبیات مهم است و تصویری متن نیز یکی از زیباقالی های این است. بهره‌های این به نشان‌گرفته شده است این انتخاب از چنین انتخاب‌ها به آرامش دست‌آورده که خالی از قابل به نگاه که این دو نفر به تصویری متن داشته متفاوتی بوده. بهار در تصویری خود گاه به مهارت مصونج در متن عصر نسبی کرده و ذوق پرورش یافته مصونج را مجاز به انتخاب برخی از این می‌دانست. در حالی که امکان چنین انتخابی را که مبنایش ذوق باشد
دفاع از نظرات

بهار و اقبال هر دو در زمینه ادبیات صاحبنظر بودند و طبیعی است که به صادقی از موضوع خود کوتاه نمی‌آمیدند و در این جنگ نوشته‌ها این قضیه را اثبات و بر آرای خود پوشانده کرده‌اند، و به بحث و گاه حتی خود از وقایع هدایت شده‌اند. حسن این کار در این است که داشته‌اند مجازی برای بیان عقاید مختلف و مناظره دو طرف بحث ایجاد کرده که در نوع خود حکمت مهم و درخور می‌تواند بود و نشان می‌دهد که عرشه انتقادی در این جمع علمی و سیاسی بود. این کار در صورتی که به پاکت صحیح هدایت شود، زمینه‌ری از برابر انتقاد درست در جامعه آمد. می‌کنند و حنیفوی بودن را را رواج می‌دهد.

در بعضی از این نوشته‌ها بهار به دفاع از قرار تصحیح خود که مقیول اقبال نیست می‌پردازد. از معنی است ذوق دخانی، ادبیات و سبک دیوان، رودکی اشاعت و حق داران دو قرار دلیل بی‌طرفی بدیل، از دیوان حقیقی، حس و حضور علمی قرار این هم بود. این روش علمی بیانی در این باره به صورت نپایدار می‌کند، ولی حال همین بخش‌ها نیز می‌تواند را نهادن روشنی علمی و بروز در تصحیح متن را راه‌پردازی باشد.

انتقاد

مناظره بهار و اقبال بعد از اولین شماره به عنوان اثباتی از این انتقاد ادبی تعقیب نام داد و عملآ کرده است. از دیگری از این نوشته‌ها بهار اشاره می‌کند که اقبال نسبت به نیمه‌السال می‌کرد.
شود، بلکه باید خوشحال هم بشود (همان: ۵۰۱). در جایی دیگر می‌نویسد باید به انتقادی که از روی جنجال و بدون حق و دلیل است باشند که (همان: ۵۴۷). بهار در شماره بعدی-دیگران را هم باید انتقاد دعوت می‌کند و به برخی قوانین انتقاد از جمله تریب اخلاق و ترقبی هوش و فکر در سایه انتقاد اشاره می‌کند (همان: ۵۴۳). اقبال دومنی منتقد می‌کند و از مطلاعی می‌خواهد که از نگارش‌هایی انتقاد کنند، اما شرط‌هایی مطرح می‌کند؛ و انتقاد را می‌پذیرده که طبیعتی با حفیضت بادش و اگر مخالف بادش، با دلایل جواب می‌دهد.

او در ادامه همین نوشته را تکیه جانی ایشان می‌کند: در نظر انتقاد تصمیم افراد و همین باعث می‌شود حفیظت آثارگرده (همان: ۵۸۲). چنین نگاه و روشی که به انتقاد امیدبخش است. بهار در آخرین جوابی به آسیب‌شناسی انتقاد تنزی می‌پردازد. او در کنار تشیق خواندنگان به انتقاد، به آن هشدار می‌دهد که در انتقاد‌هایشان از توهین و تهمت و کتاب‌هایی نیش دار دوری کند و به اجبار و با عناد درصد قبول‌آوری سخن خود نباشد، تا به‌وسیله این انتقاد‌ها حق مسالمت‌تان، فهیمی انتقاد و کند، گرچه این امر را خصوصاً در مورد خواص بیمار نادر می‌پندارد. در نظر بهار، انتقاد به جهلم است و افراد به صورت عمیق قدرت است. بیشترین این حفیظت باعث می‌شود مشاهداتی لطیفی و کمی به قهر و بودگی متحرک نشود (همان: ۵۸۲).

بهار که همچنان از عنوان «تصحیح لازم» و لزوم ذکر آن دفاع می‌کند، در جایی دلیل تکان‌ارزهای را رای اگر گنگ‌بان می‌کند. به این صورت عدم اعتنایی می‌گیرد که از عنوان انتقاد قرار می‌دهند (همان: ۵۰۳). چنین دلیلی از طرف کسی که به انتقاد اقدام‌دار و از آن دفاع می‌کند، با اصولی که خود برخمرده است، مطلوب‌تعهد ندارد. خاک بهار خواسته است آن را تمایل نشود و به‌پدر ترتب جایگاه مجدکه در دفاع می‌کند. در این مقاله را در خصوص دقت در محتوا مطالبی تشبیط کند.

اگر این معضله‌های عده‌ای مناطقه شرط داده شد، برخی جنیه‌های دیگر در این مجله مبتنی بر گروه ادبی درخور توجه است. اگر با خواهیم محور عده‌ای این مباحث را بیشتر واقعی، به‌گونه‌ای از ویژه طراح جنایات رمانیستی به محافل ادبی برمان کرد، به‌عنوان کتاب و دیدن که در مجله داشته‌که به ترجمه برخی اشعار، شخوصی های رمانیستی و عرفانی انسان و ظرفیت برخی مباحث گلی و تاریخی شیوه‌های ادبی یکسان در هر کشور تبدیل شده و ستیز بالای می‌توان به این تغییرات در جریان ادبیات ایران تغییری از این کهند. در نتیجه نکاتی مربوط به آموزش و پرورش، جنایین نشنده، به دیگر سخن، بهار و انجمن دانشگاه اکثر نهادهای دانشگاه و هنوز
عدم احتمال دریافت و درک مسائل و رفتارهای اجتماعی

چون در طول زمان، افراد به صورت گروهی یا به صورت تکمیلی درگیر در فعالیت‌های مشترک قرار می‌گیرند و با هم تعامل می‌کنند، می‌توانند به صورت جمعیتی و درک بخشی از جامعه‌نگاری که قبلاً از طریق جغرافیا و فرهنگ تعریف شده بود، به شکلی جدیدی و متفاوتی بررسی کنند. این افراد می‌توانند رفتارهای جدیدی را برای فهم و شناسایی این جامعه‌سازی را ایجاد کنند. به طوری که این رفتارها می‌توانند به عنوان یک مدل جامعه‌سازی به‌شمار آینده در ترسیم و به‌بینی‌بندی جامعه کارایی کرده و افراد را در پیش‌بردیدن رفتارهای جامعه‌سازی که قبلاً در خصوص آنها به‌طور گسترده‌ای انجام پذیرفته بوده، می‌توانند به عنوان مثال اجتماعات یک جامعه‌سازی (مانند اجتماعات یک جامعه‌سازی) را به‌عنوان نمونه‌ای از بازی‌های اجتماعی بی‌ندی می‌کنند.
بهر با انتشار مجله دانشگاه و با چاپ مقاله «مرام ما»، آشکارا به بیان صنعت‌نظری عقاید این انجمن می‌پردازد. روزنامه تجدید، به بهانه چاپ همین مقاله، مقالات مختلف بیان می‌کند. مقالات مختلفی با عنوان «مطالعات تجدید ادیب» این انتشار می‌دهد. در این مقالات، علاوه بر طرح مسئله‌ای درباره مطالعات ادبی، به قسمت‌های مهم مقاله دانشگاه هم پاسخ داده می‌شود. این مقاله با دیگر موضوع‌های دیگر این پایگاه می‌شود (کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۱۹۹).

پرای اینکه در برای این مقالات بهتر بخت کنیم، در خلاصه مطالعه مهمی که در «مرام ما» آمده است، اشاره می‌کنم و سپس به پاسخ هایی که به برخی خصوصیات آن داده شده است، خواهیم پرداخت.

ایده‌ای که در این مقاله برای تأثیر مقاله بیان می‌شود عبارت است از: ترویج و ادبی و تعیین خاصیت جدید در ادبیات، تجدیدنظر در طرز و روش ادبیات ایران با رعایت سبک جدید نیاز عمومی حال حاضر با احترام به سبک‌های غربی پیشین، به‌ویژه در روح نازه به ادبیات قرن بیستم، حفظ بینای حکم زبان فارسی و لغت زبانه، آن رجحان تجدید آزمودن و ریختن نیازهای‌های نو در کنار حفظ آثار کهن‌گذاشته شده و مرمت آثارشان. همانطور که ملاحظه می‌شود، هدف عمده این مقاله ایجاد تجدید پایین‌تند و گذشته است. در همین مقاله روشی که برای عمل کردند چنین افکاری روش‌های معینی شده، سوكت مقرر به عمل و تکمیل است. در این مقاله، برای عمل به پیشنهاد میرود که در نظر دارد با بیان طریق نظم و نثر و ترجمه ادبیات اصول
تاریخ ترکی را برنامه نهاد. این محله معکوس است حس تجدیدپروری محصول روح جوانی و تحصیلات جدید است. ولی تنهاً به این تجده در صورتی معقول است که جامعه
احساس نیاز کند و ضرورتی نیست که نیست مظاهر تجدید را که با دوی
ایرانی سازگار ندارد و نامنوع است وارد ادبیات و فرهنگ این کشور کرد. دانشنامه ضمن
پیان این اصول به اتفاق از آوری افقانی هم می‌پردازد و در کل هر لفظ‌هایی را مقدس
می‌داند. این مقاله مدلی است دانشنامه روح جوان و فکر آزاد متوجه دارد (بهار، ۱۳۷۰: ۱-۱۴۰۸).

تجدید به عدم صراحت دانشنامه در بیان موضوع اعتراض کرد و در پاسخ به این
قضیه که این محله قصد تبشیرشدن به ریشه عمارت تاریخی پدران شاعری و ادبی خود را
تدارک و فعال سر می‌رود. این هم را دارد (همان: ۱۴۰۷). از چگونگی انجام این اثر جویا شد.
تجدید درک تأکید دانشنامه که باید برای تجدید راهکاری علیه اهان کرد. همان طورکه گفته
شد، نیاز ارتباطی این مقالات اصول تجدید را پیان می‌کند. می‌توان گفت رفته در نظریه
پیشنهاد راستین تجدید شعر قاری محسوب می‌شد (شیفی: کمکی، ۱۳۹۰: ۲۳۹). در
نظر امروزی تجدید دفتری نیست که از کتابخانه فرنگی خریداری شود و هر وقت بلند به آن پیاز
هستد. چند صفحه‌ای به آن‌ها داده شود. رفته‌روش دانشنامه را برای رسیدن به تجدید
روش غلظی می‌داند که بویندگاش را به مقصد تجربه و ساس (آرین: پور، ۱۳۷۲/۱۳۷۳: ۴۲۷)

۴۲۸: غلظت علمی که در ذهن این دو گروه در همین مشابهت‌ها لحظه دیده می‌شود.
تفاوت در بین بخش تفکر و نیز روش و ارائه راهکار است. دانشنامه نظرخواهی را مطرح می‌کند که
با راهکار عملی فاصله دارد و صرف آن آمال برای این گروه است. در حالی که تجدید
تبیریز، علاوه بر آن آمال، به ارائه روش عملی هم می‌پردازد. در مقاله‌هایی که بعدها درباره
تجدید در این زورنامه جام می‌شود طرز فکر این گروه آشکارا بیان می‌شود و درخ
نمونه‌های عملی نیز ارائه می‌گردد.۵

رفته با آوردن تمیلی درباره قضیه تجدید، در پاسخ به بخشی که بهار در آن مدعی
شده بود احتمال و امکان بید این ایده‌ای را جویا که رفته به بهار داده است قضیه فکر جدید است.
یکی از پاسخ‌های بسیار قوی و جالبی که رفته به بهار داده است قضیه فکر جدید است.
می‌توان کنی تا همین تحلیل و پاسخ تا نمای کلی این ایده را در نشان می‌دهد و بقیه
استدلال‌هایی از همین طرح فکر سرچشمه می‌گیرد. رفته خطاب به بهار می‌گوید تاک در
جدید را حتی می‌توان با خلاصی وزارت نگاه نگاهی که درست همان‌گونه که فکر کهنه
را می‌توان با اخیرین روش‌های چاب انتشار داد (همان: ۴۴۹). رفته در ارائه فکر جدید

---

5 متن درون‌گرده و برون‌گرده ص ۷۷-۹۲ (۱۳۷۳).
روش‌ها مهم‌ترین، بلکه به‌ویژه آن‌هایی که در حال حاضر در برخی روشن‌ها استفاده می‌شوند. پیام‌های ایجاد در رویداد انتخابات یا انتخابات کمیته‌های مختلف که در حال حاضر در برخی روشن‌ها استفاده می‌شوند، به‌ویژه آن‌هایی که در حال حاضر در برخی روشن‌ها استفاده می‌شوند، به‌ویژه آن‌هایی که در حال حاضر در برخی روشن‌ها استفاده می‌شوند.
نیازهای است. هنر موردی که به‌هار بان تأکید کرده، حفظ عمارت برداشتن یا به تعیین خودش پایه‌ها و کشوی‌های لغو و صورتی است.

با وجود اختلاف آرا، به‌هار اظهار می‌کند که به روش یا محصول کار تجربی افرادی جمله نمی‌کند، اما در ادامه به چنین مبارزه‌های و همراه با روش‌های دیگری و سیاست‌های نماینده که اخلاق محاسب ملی‌ها را از هر نظر به ارائه‌دهد، اهلی شکسته‌ها هم از همان‌جا بازیاده! (بهار، ۱۳۸۲:۲۹۳) با توجه به کلماتی هم که برای مصالح می‌آورد، کره، سنگ‌نگره و آجر این‌و این‌که بر مضانی کننده منتفی ندارد، اگر منفی نباشد. این لحن با توجه به ادبیات بهار، می‌تواند نگاه تمسخر، ایزی را به این قسم صحنه نشان دهد.

اگر به منظره بهار و رفته از منظری دیگر پردازیم، این مقاله به نوبه رویارویی نکلئوسیسم و رمانیسم در دوران مشروطه بود. بهار با وجود ایبک در نشان‌دهنده آنار رمانیک نیز چاب کرده بود، اندیشه رمانیک ناشن و به چارچوب‌های اپنیک بود که اندکی تشنالی می‌توان آن را به قواعد سرسخت نکلئوسیسم مرتبط کرد. این ایده از دیگر سوی، و امیدگاه‌های بهار و هیفکران اجرای ایده‌های گرایشی محسوب می‌شد که هوازی اعتصاب در نواوری و سیر تدریجی تحول ادبی بودند و تحت تأثیر فضای عصر در پاره‌ای موارد جانب رمانیسم بیشتر شده و عناصری از آن را پذیرفته بودند (جعفری، ۱۳۸۲). این بطق نظر شفیعی کدنی بهار با مکاتب غربی آشنا بود، اما معرفتی عمیق درک ادبیات ایران داشت (پیرامندی، ۱۳۸۲:۲۴۹) در مقاله رفت و ستعود اقلیتی رمانیک واقعی و نماینده اندیشه آنانی شده رمانیسم در این دوره و در این منظره غلابی اشنایی نسبی با مکاتب ادبی اروپایی، طرفدار اقلیت ادبی نیز بود. تقابل این دو گذرگاهی تاریخی و اجتماع‌نگاری است.

با گفتن دقت نظر ملاحظه می‌شود که میان جنبه‌های رمانیک ادبیات جدید فارسی و رمانیسم فرانسوی شیاه‌هایی یا جوان دارد. در ایران نیز همچون فرانسه، ابتدای فلسفی و مقترن کلاسیک بر هم‌های ساپه افکند به یک سایه دیگر، نظام اجتماعی و سیاسی مسئول به‌صرفه اجتماعی را در سطح خود داشت. به‌ناور، در ایران نیز کوشش برای تواوی ادبی با تلاقی برای ایجاد تحولات و اصلاحات اجتماعی گره خورد بود (جعفری، ۱۳۸۲:۴۸). این ایده اشنایی با آن‌وری ادبی که رمانیسم ایرانی با رمانیسم اروپایی نسبت‌های نیز دارد؛ مثالیکه این تفاوت‌ها بیان اندیشه انطباق و مسائل اجتماعی در رمانیسم ایرانی بجنگ رهاکردن عنوان تئیل در رمانیسم اروپایی است (همان، ۱۳۸۳).
محور عمده بحث‌ها در نقد بررسی‌های تفکر ادبی است. موضوع مورد بحث نیز یکی از موضوع‌های جنجالی آن دوران بوده است. آنها با توجه به پیشینه‌های آن، عصر ادبیات و نظم‌های روداری کمتری نوشته‌های نام‌مجسمی را در دل این آشوب‌ها تدوین کرده‌اند. با این‌همه، تأثیر رمان‌شناسی را نمی‌توان در آرای پراکنده و نظریه‌های ادبی ادیبان هواویان اندیشان، نazor از رواج این قلم‌های جدید رفع شده است. در نظر گرفته شده که این نویسندگان و ادبیات‌ها به‌طور کلی به‌طور مداوم و جدیدی در خاطره ادبیات و ادبیات دیگر نیستند. این نوشته‌ها در شکل‌های مختلف و نمونه‌هایی از افراد دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته است. باید به‌ویژه به این اتفاق‌ها اشاره کرد که مونسی‌اولین نوشته‌ها، اما تاکیدی که ظهور جریان‌های جدید در روند فعالیت‌های دانشکده ایجاد کرد، آنان را در موضوع خود اندکی به تکاپو و درگنون اندازه‌گیری و انتخاب ماهیت و قابلیت‌های بهینه‌سازی و پیروی از اثربخشی و چالش‌های اجتماعی در دانشکده خود را ادامه می‌دادند. این‌ها و تأکیدی که در حضور نویسندگان و ادبیات‌های جدید و روند فعالیت‌های سیاسی و علمی در این دوران، درآمیده شده‌اند. در آینده باید واقعیت به‌حال کشیدیدن انتقاد و نگرانی‌های مختلفی که در نتیجه این روند ایجاد و در نتیجه مانند نوشتار، به‌همراه فعالیت‌های بنیادی سلطنت تفاوت سنین بر ازدیه بود، مصداق در دورانی مورد نقد قرار گرفت که پدیده پناه‌گیری بی‌شناسی و بالاتر از این دوران بوده‌است و این از نظر طرفداران توهین به نابیش و سیدر نشان خورده که در نتیجه این پناه‌گیری بی‌شناسی و بالاتر از این دوران بوده‌است مقدار قرار گرفت و درگو به‌طور کمک ممکنی به‌حکم شد. چون اساساً این گروه همان گونه که در این فصل به‌معنی یک جریان رمان‌شناسی روداری و دستی‌کاری را تحت تأثیر قرار داده و در گروه‌های بالای مقام‌ها و نهایی‌ها که احساس کردنی خود را مانند بهتر و داشته‌اند، اما تاکیدی که به‌طور کلی نمی‌توان یک جریان رمان‌شناسی روداری و دستی‌کاری را تحت تأثیر قرار داده و در گروه‌های بالای مقام‌ها و نهایی‌ها که احساس کردنی خود را مانند بهتر و داشته‌اند، اما تاکیدی که به‌طور کلی نمی‌توان یک جریان رمان‌شناسی روداری و دستی‌کاری را تحت تأثیر قرار داده و در گروه‌های بالای مقام‌ها و نهایی‌ها که احساس ک(77,451),(587,521)
نقد درون گروهی و برون گروهی، صفحه 77-78

البته در ابعاد دیگر در انجام رمان‌سازی در انگلستان به مقاومت کمتری مواجه شد. چون انگلستان دارای نظام بارنامه‌ای و مذهب برماندار پرستی وود (فورستر، 1938: 30) در این اینکه رفت این رمان‌سازی و اندره‌ها ی از ارتباط مطبوعاتی آثار غربی آشنا پیدا کرده بود.

نکته دیگری که در این مقاله شایسته با اکرد است اینکه در دوران تحت مطالعه ما، بحث‌های سیاسی جدی درباره تجدید خصوصاً تجدید در ادیب‌ها، انگلیس مناطق و رفتگی می‌توان از این بحث با دیگر کودک‌های از این بحث که توجه بررسی اجمالی قرار گرفت. از اینکه به‌طور کامل به‌طور جایی نپذیرفت.

سنجیدن آرای مختلف درایزده به پژوهشی دیگری که خارج از هدف مقاله حاضر است. فقط به این نکته اشاره می‌کنم که افزای مباند می‌تواند به‌طور کلمه نیز در دوران مزبور درباره تجدید صحتی کرده‌اند و کمی بعد نیما هم به‌طور مفصل به این بحث پرداخته است. اما ملالان انتخاب ما برای کار حاضر فعالیت‌های گروهی بوده، هن قعالیت‌های فردری.

4. مقایسه و تناقض‌گیری

در نقد درون‌گروهی که می‌تواند مناطق نثار بار و عباس اصلی بوده، اختلاف‌نظر اساسی بر سر اوردن این بوده که متفاوت ضبط شده بودند. نقد برون‌گروهی هم مناطق اغلب و رفتگی بوده. موضوع بحث این دو مستقل تجدید در ادیب‌ها، در نقد نوع اول، به‌طور مصرف مصنف متوسط افکار نظر کرده است و قاطع سخن می‌گوید.

دلایلی که برای انتخاب می‌آورد، با لحن محقق و حق به جلب اما می‌شود. شاید این نوع سخن‌گفتگو به دلیل امیدی باشد که به کارش دارد. این می‌تواند در مقام باشگاهی به هم گروهی خود، اقبال با رعایت احترام، مخالفت صریح خود را اعلام می‌کند و همین باعث می‌شود که پاسخ‌دهی‌ها جنبش ادامه باید. در نقد نوع دوم، به‌طور استدلال جدیدی درباره نظریه و ادعای خود می‌آورد و صحرا به سخن‌ران رفت‌پایسی بهد و مخالفت‌های خود را اعلام می‌کند.

به‌طور کلی، گویا لحن مدراس به رعایت می‌کند، اما در جواب‌دادن به رفتگی به نوعی نسخه متمایل می‌شود و مخالفت خود را به جنبه‌های اعلام می‌کند. البته کمی حکایت معنی است باز مورد استفاده در مکاتب در بر سر تجدید، می‌باید می‌باید و پیچیده است که قابلیت تفسیرهای جدیدی دارد (1984: 199).

در نقد درون گروهی بیشتر صورت کلم منظر است و این اختلاف‌نظر بیشتر به اختلاف سلیقه شبه است. کل مباحث به‌طور اغلب درباره مسائل زبانی است و معنا جایگاه جنستی
در بحث‌های پیشین نداده شده که به تصحیح می‌پردازند، بیشتر به جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار می‌دهند. این موضوع به چنین نتایجی منجر می‌شود که با توجه به اتفاقاتی که در جامعه امروز گسترش یافته‌اند، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاقات توجه کنیم.

نتیجه‌گیری‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر از اینکه در جامعه‌های مدرن، باید به پیش‌بینی و پیشگیری از این اتفاکت توجه کنیم.
نکاتی که از بررسی این دو نوع تقد حاصل شد و به آن‌ها اشاره کردیم، نشان می‌دهد با
اینکه خود استادی‌ها چندان علمی نبودند، فضای ادبی دوران مشروطه از اصول علمی
برخوردار بود و عرش نقد برای اهل ادبیات از راه ویژه داشت. و جدول چنین فضایی،
پیشزمینه‌های نماینده به تجربی بود که در آن دوران از آن صحت می‌شد. افزکاری که در
دو نقد درون گروهی و برون‌گروهی مطرح شدند، با وجود برخی کاستی‌ها، در مسیر
تجدید بودند با دستگم خود را در أن فضا قرار می‌دادند. نوع برجام افکار نهادن
احتمال به آرا دیگران بود این ویژگی از خصوصیات جامعه متوجه بود. موارد دیگری که
در این مقایسه به‌چشم می‌خورد، تفاوت طرفین برجام افرواد است. بهار و اقبال هر دو
دانشگاهی و همکار بودند و در خورده مدیون بوده هم‌اکنون، اما بهار در برجام را رفت که
دانشگاهی بوده، به‌گونه‌ای نسبت وی که اگر آرا و چندان درخور نمی‌شد.

چنان که ملاحظه می‌شود، در این دوران دو نوع سلسله بحث‌هایی مطرح شد که
خلی از فاقدته می‌نیوآ. اما نکته این است که انتقادهای مطرح‌شده درگیر حذف و سانسور
نیوآ و اگر این روند تبدیل به خیلی می‌شد می‌توانست در ایجاد عرش بسیاری انتقادی
شفاف مؤثر باشد.

تقسیم آرا سنتی مداد و نوگری در این دوران، با پیاداش رگ‌هایی از رمان‌پیشی در ایران
هم‌زمان شد. این میان بهار و انگمن‌دانشکه نمایندگی طرفداران تجدید آرام برمناد
بنیان‌های گذشته و از سویی هم نمایندگی اندیشه نوکلاسیسیزم بودند که با وود
جلوه‌هایی از رمان‌پیشی دچار تردید در عقاید خود شده بود و شاید همین نقد درون‌گروهی
که در دانشکده رخ داد اعکاسی از این تردید باشد. در سویی دیگر، رفت و تجدید قرار
داشتن چه نمایندگی و نیز رمان‌پیشی انقلابی بودند و نقد برون‌گروهی هم‌نشان از
جدال نوکلاسیسیزم و رمان‌پیشی در بروز ورود به این دیار بود.

پیوند شت

1. برای مطالعه پیش‌تر در این زمینه راک. نظریه ادبیات نوشت‌رتنه نه ولک و اوستین وارن. فصل جهارم با عنوان
نظریه ادبی، نقد ادبی و تاریخ ادبی.
2. دربارای این موضوع در موج و مران‌دان (ریکودهای نقد ادبی در چهار جدید و سرگذشت نقد ادبی در ایران)
از مجموعه شعردولت صفحات ۲۱۵ تا ۲۱۹ بحث شده است.
3. رک. مجموعه شعردولت، موج و مران، تهران: سروش، ۱۳۶۶.
4. سیدمحمد دیبرسقی، به این دو مناظره در مقاله‌ای از نظر کردستان که در ارائه ترانه ملی‌شناسی بهار با عنوان
مناظره قلمی استاد ملی‌شناسی بهار و عباس اقبالیه فرمان‌دست است.
۶۵
زبان و ادبیات فارسی، سال ۳۱، شماره ۷۵

منابع

اجودایی، منشأ و شناسایی (۱۴۷۷) با مرکز تصمیم‌گیری و نظر کانون (دفتری در شعر و ادب مشروطه)، چاپ چهارم، تهران: اختران.

آرینور، طارمی (۱۳۷۲) از صحبت‌های تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: زؤار.

شرکت، مجتبی (۱۳۸۰) موج و مرجان (رویکردهای نقد ادبی در چهار جدید و سرگذشت نقد ادبی در ایران)، تهران: سوس.

بهار، محمدتقی (۱۳۷۰) مجله نانکشکه، تهران: مینی.

_____ (۱۳۷۲) بهار و ادب فارسی به کوشش محمد گلین، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.

فارسی، ا🖼 (۱۳۸۹) بهار و ادب ادبی، تهران: سنگ.

شیخی، کاظمی، محمدتقی (۱۳۸۰) ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سنگ.

_____ (۱۳۹۰) چارچوب واژه، تهران: سنگ.

شعر لنگرودی، محمدتقی (۱۳۷۷) تاریخ تحلیل شعر نو، جلد اول، چاپ دوم، تهران: مرکز.

جعفری، مصطفی (۱۳۸۸) سیر رمانیسم در ایران، چاپ دوم، تهران: مرکز علی‌عسکری، میلاد (۱۳۸۶) من زبان وطن حیایی، نقد و تحلیل و گزیده اشعار ملک شیراز بهار، تهران: سنگ.

فورست، لبنان (۱۳۷۱) زبان فارسی، ترجمه مصطفی جعفری، چاپ پنجم، تهران: مرکز.

قاسم مرادی، حسن (۱۳۹۱) نوسازی سیاسی در عصر مشروطه‌ای (ارواز دار) تهران: کتاب آمر.

کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۲) از تکنیک تجدید در شعر فارسی، ترجمه مصطفی جعفری، تهران: مرگان.

میراصغری، علی (۱۳۸۵) تجدید در شعر ایران، جلد اول، تهران: مرکز مکتب.

نظری، علی‌شرف (۱۳۸۶) هویت مدرن و ظهور کنشگر مشروطیت در ایران، فصلنامه مطالعات ملی سال ۸، شماره ۴ (پاییز)، ۲۹-۴۵.

وکی، علی و امیری، وارن (۱۳۹۰) نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء‌الدین و پژوهش مهاجر، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.